

اعجاز عشق

یلا عبیدی

تهران - ۱۳۹۳

مرکزینه استفاده از جلد و متن کتاب (نام از ژورنالس، دژ نویسی، ضبط کامپیوتری، تزیین (C))
بدین اجازه کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است. مداخلان به موجب بند ۵ از ماده ۷ قانون حمایت
از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند.

سرشناسه	:	عبدی، لیلا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	اعجاز عشق / لیلا عبدی،
مشخصات نشر	:	تهران : نشر علی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۷۰۰ ص.
شابک	:	978-964-193-147-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستانهای فارسی -- قرن ۱۳
رده بندی کنگره	:	۸۱۲۸PIR / ۶۴۳۲الف ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	:	۳/۶۲۵۸
نماره کتابشناسی ملی	:	۲۱۱۰۶۹۰
تاریخ درخواست	:	۱۳۹۱/۱۲/۲۸
تاریخ پاسخگویی	:	
کد پیگردی	:	3110686

خریده گرامین چنانچه این صفحه تک رنگ چاپ شده است،
به انتشارات اطلاع دهید. با تشکر



نشر علی: خیابان ... خیابان روانهر، شماره ۱۳۶

تلفن: ۶۶۴۹۱۰۷۶ - ۶۶۴۹۱۲۹۵

اعجاز عشق
لیلا عبدی

نومنه خوان اول : سحر سمع

نمونه خوان نهایی : سپیده شفقى نژاد

ویراستار: مرضیه گاو

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول بهار ۹۲

چاپ: غزال لیتوگرافی: غزال

حروفچینی: ارمغان صحافی: تیرگان

شابک: 978-963-193-147-8

حق چاپ محفوظ است.

خریدار محترم، جهت خرید کتاب های این نشر تنها به قیمت پشت جلد به صورت چاپی مراجعه کنید
و از خرید کتاب ها به قیمت مشخص شده و در جیب خرید و همچنین تلاش کرد خریدار را فریب دهد.

www.Alipub.ir info@alipub.ir

ع ۱
ع ۲
ع ۳
ع ۴
ع ۵
ع ۶
ع ۷
ع ۸
ع ۹
ع ۱۰
ع ۱۱
ع ۱۲
ع ۱۳
ع ۱۴
ع ۱۵
ع ۱۶
ع ۱۷
ع ۱۸
ع ۱۹
ع ۲۰
ع ۲۱
ع ۲۲
ع ۲۳
ع ۲۴
ع ۲۵
ع ۲۶
ع ۲۷
ع ۲۸
ع ۲۹
ع ۳۰
ع ۳۱
ع ۳۲
ع ۳۳
ع ۳۴
ع ۳۵
ع ۳۶
ع ۳۷
ع ۳۸
ع ۳۹
ع ۴۰
ع ۴۱
ع ۴۲
ع ۴۳
ع ۴۴
ع ۴۵
ع ۴۶
ع ۴۷
ع ۴۸
ع ۴۹
ع ۵۰
ع ۵۱
ع ۵۲
ع ۵۳
ع ۵۴
ع ۵۵
ع ۵۶
ع ۵۷
ع ۵۸
ع ۵۹
ع ۶۰
ع ۶۱
ع ۶۲
ع ۶۳
ع ۶۴
ع ۶۵
ع ۶۶
ع ۶۷
ع ۶۸
ع ۶۹
ع ۷۰
ع ۷۱
ع ۷۲
ع ۷۳
ع ۷۴
ع ۷۵
ع ۷۶
ع ۷۷
ع ۷۸
ع ۷۹
ع ۸۰
ع ۸۱
ع ۸۲
ع ۸۳
ع ۸۴
ع ۸۵
ع ۸۶
ع ۸۷
ع ۸۸
ع ۸۹
ع ۹۰
ع ۹۱
ع ۹۲
ع ۹۳
ع ۹۴
ع ۹۵
ع ۹۶
ع ۹۷
ع ۹۸
ع ۹۹
ع ۱۰۰

www.ketab.ir

ما دیم به همپای شایسته سفر زندگی ام

«مصطفی همائی خیری»

www.ketab.ir

چه سان سردم و تاریک
قلبم نمی‌تپد، چشم‌هایم نمی‌بیند
صدایی نیست، نوایی نیست
نگار در هوا معلقم و هیچ دستاویزی ندارم
در جورم و بیمارم، نمی‌دانم...
سیمفونی زبانی در فضا می‌پیچد که دُ... ر... می... فا... سل آن
ع، شن و قوت عشق است.
چه گرم زانو نیست، خون مذابی در رگ‌های خشکیده‌ام
جریان می‌یابد
زمزمه‌ای می‌شنوم
نوری تابیدن می‌گیرد
این اعجازست، اعجاز عشق

«لیلا عبدی»

فرهاد را چو بر رخ شیرین نظر افتاد
دودش به سر در آمد و از پای درفتاد
چون ز جام طلعت لیلی چو مست شد
فارغ ز مادر و پدر و سیم و زرفتاد
وامان چه اختیار غم عشق ویس کرد
یکبارگی جدا ز کلاه و کمر فتاد
وامان چو کس از غم عذرا به جان رسید
کارش مدام با غم و آه سحر فتاد
زین گونه صد هزار کس از پیر و از جوان
مست از شراب عشق چو من بی خبر فتاد
بسیار کس شدند اسیر کلاه عشق
تنه از برای من این شور و شرف فتاد
روزی با دلبری نظر کرد به شام
زان یک نظر به جهان از نظر فتاد
عشق آمد آنچنان به دلم در زد آتشی
کز وی هزار سکون نماند جگر فتاد
بر من مگیر اگر شدم آشفته دل ز عشق
مانند این بسی ز قضا و کسر فتاد
سعدی ز خلق چند نهان راز دل کنی
چون ماجرای عشق تو یک یک به در فتاد